



درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الثالث: مسح الرأس - لزوم مسح با باطن دست

سال تحصیلی: ۹۷-۹۶

تاریخ: ۱۶ بهمن ۱۳۹۶

مصادف با: ۱۸ جمادی الاولی ۱۴۳۹

جلسه: ۵۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و يجب أن يكون المسح بباطن الكفّ و الأحوط أن يكون باليمنى و الأولى أن يكون بالأصابع»^۱.

به نظر مرحوم سید (ره)، واجب است که مسح [سر] به وسیله باطن کف دست انجام شود و احتیاط [واجب] این است که با دست راست باشد و بهتر است که با انگشتان باشد.

در رابطه با مسأله مذکور، چند مطلب وجود دارد:

مطلب اول، اینکه مسح سر باید به وسیله دست انجام شود.

کسانی که به این قائلند که مسح سر حتماً باید به وسیله دست انجام شود به روایاتی استناد کرده‌اند که روایات ذیل از آن جمله‌اند: **روایت اول:** عَنْ عُمَرَ بْنِ أُذَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ: «لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ أَوْحَى اللَّهُ إِلَيَّ...»^۲ ثُمَّ امْسَحْ رَأْسَكَ بِفَضْلِ مَا بَقِيَ فِي يَدِكَ مِنَ الْمَاءِ وَ رِجْلَيْكَ إِلَى كَعْبَيْكَ...^۳.

روایت دوم: عَنْ زُرَّارَةَ، قَالَ: حَكَى لَنَا أَبُو جَعْفَرٍ (ع) وَضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)؛ فَدَعَا بِقَدَحٍ... ثُمَّ مَسَحَ بِمَا بَقِيَ فِي يَدِهِ رَأْسَهُ وَ رِجْلَيْهِ وَ لَمْ يُعِدْهُمَا فِي الْإِنَاءِ^۴.

ظاهر دو روایت صحیح مذکور که از اخبار بیانیه‌اند [اخباری که بیانگر کیفیت وضوی رسول اکرم (س) می‌باشند] بر این دلالت دارند که مسح باید با رطوبت باقی‌مانده در دست متوضی باشد و مسح با چیز دیگری کفایت نمی‌کند.

مطلب دوم، اینکه مسح سر باید به وسیله باطن دست انجام شود. صاحب جواهر (ره)^۵ و حاج آقا رضا همدانی (ره)^۶ در مصباح الفقیه نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند که مسح باید به وسیله باطن دست انجام شود.

لکن، از نصوص و روایات به دست نمی‌آید که مسح سر حتماً باید با باطن دست انجام شود.

باطن در مقابل ظاهر است. مقتضای اطلاقاتی که وجود دارند این است که مسح سر باید با رطوبت باقی‌مانده در دست باشد و از حیث اینکه مسح با باطن دست باشد یا با ظاهر دست، اطلاق دارند لذا برای وجوب مسح به وسیله باطن دست، نمی‌توان به روایات استناد کرد چون نصوص در اینکه مسح سر باید با باطن دست باشد، تعین ندارند.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۹.

۲. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۱۵، ص ۳۹۰، ح ۵.

۳. همان، ص، ح ۶.

۴. محمد حسن، نجفی [صاحب الجواهر]، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۱۸۵ و ۱۸۶.

۵. آقا رضا بن محمد هادی، همدانی، مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۳۶۹.

مگر اینکه کسی ادعای انصراف کند و بگوید که متعارف از مسح، این است که مسح با باطن دست انجام می‌شود و در خارج، مسح با باطن دست رایج است.

اما اگر کسی به انصراف قائل نشد و گفت که صرف اینکه مسح با باطن دست متعارف است، دلیل بر انصراف نیست چون ممکن است در عین حال که چیزی متعارف باشد، مقابل آن نیز متعارف باشد. بنابراین، اگر بتوان از متعارف و رایج بودن مسح با باطن دست، انصراف را درست کرد، گفته می‌شود که مسح سر باید با باطن دست باشد، ولی اگر نتوان انصراف را درست کرد، وجهی ندارد که گفته شود که مسح سر الزاماً باید با باطن دست باشد.

ممکن است که گفته شود که اخبار بیانیه که از کیفیت وضوی پیامبر اکرم (ص) و یکی از ائمه (ع) حکایت دارند، از این حکایت دارند که پیامبر (ص) و امام (ع) به باطن دست مسح می‌کرده‌اند و به ظاهر دست مسح نمی‌کرده‌اند لذا با توجه به این اخبار، گفته می‌شود که مسح سر باید با باطن دست انجام شود.

لکن در پاسخ عرض می‌شود که اگر پیامبر (ص) و امام (ع) که حکایت کننده وضوی پیامبر (ص) بوده است با باطن دست مسح می‌کرده‌اند، روات باید آن را ذکر می‌کردند چون اگر یک خصوصیتی در حکم شرعی، نقش داشته باشد راوی باید آن خصوصیت را بیان کند؛ در حالی که روات به این مطلب هیچ اشاره‌ای نکرده‌اند، بنابراین، با توجه به اینکه در لسان روایات، مسح با باطن دست نیامده است، معلوم می‌شود که خصوصیت مذکور [مسح با باطن دست]، مورد نظر پیامبر (ص) و امام (ع) نبوده است، پس نمی‌توان به پیامبر (ص) و امام (ع) که وضوی پیامبر (ص) را حکایت کرده است، نسبت داد که با باطن دست، مسح می‌کرده‌اند. اما در اشکال به پاسخ مذکور، عرض می‌شود که زمانی که چیزی بین مردم رایج و متعارف باشد نیازی به ذکر آن از طرف راوی حدیث نیست چون روات احادیث نیز از افراد جامعه‌اند لذا نیازی نیست که چیزی که بین مردم رایج و متعارف است را ذکر کنند، بلکه اگر چیزی خلاف متعارف باشد را باید متذکر شوند، بنابراین، با توجه به اینکه مسح با باطن دست رایج و متعارف بوده است نیازی به بیان آن از طرف راوی حدیث نبوده است. نتیجه، اینکه پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) طبق متعارف بین مردم عمل می‌کرده‌اند لذا نیازی به ذکر آن عمل متعارف از طرف راوی حدیث نبوده است، بلکه اگر چیزی خلاف متعارف باشد باید ذکر می‌شد.

مطلب سوم، اینکه احتیاط واجب این است که مسح سر با دست راست انجام شود.

صاحب حدائق (ره) فرموده است که مستحب است که مسح سر با دست راست انجام شود. ایشان در دلیل کلام خود فرموده است که ادله‌ای که در باب مسح وارد شده‌اند، اطلاق دارند [«...وَأَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ...»]^۱ لذا چون ادله مطلقند و به دست راست مقید نشده‌اند، نمی‌توان گفت که مسح سر باید با دست راست باشد، بلکه تنها چیزی که می‌توان گفت این است که انجام مسح سر با دست راست مستحب است.^۲

در پاسخ از صاحب حدائق (ع) عرض می‌شود که روایاتی وجود دارند که بر لزوم مسح سر با دست راست دلالت دارند که روایت ذیل از آن جمله است:

۱. «المائدة»: ۶.

۲. یوسف بن احمد بن ابراهیم، بحرانی آل عصفور، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، ج ۲، ص ۲۸۷.

عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (ع): «إِنَّ اللَّهَ وَتَرُّ يُحِبُّ الْوَتَرَ، فَقَدْ يُجْزِيكَ مِنَ الْوُضُوءِ ثَلَاثُ غُرْفَاتٍ؛ وَاحِدَةٌ لِلْوَجْهِ وَاثْنَتَانِ لِلذَّرَاعَيْنِ وَتَمْسَحُ بِيَلَّةٍ يُمْنَاكَ نَاصِيَتِكَ وَمَا بَقِيَ مِنْ بِلَّةٍ يُمْنَاكَ ظَهَرَ قَدَمِكَ الْيُمْنَى وَتَمْسَحُ بِيَلَّةٍ يُسْرَاكَ ظَهَرَ قَدَمِكَ الْيُسْرَى»^۱.

روایت مذکور بر وجوب مسح سر با دست راست، تصریح دارد.

مطلب چهارم، بهتر است که مسح سر با انگشتان باشد.

در اخبار بیانیه نیامده است که پیامبر (ص) با انگشتان مسح سر را انجام داده است، بلکه اطلاق این اخبار بر عدم لزوم مسح با انگشتان دلالت دارند، چون اگر پیامبر (ص) با انگشتان خود مسح را انجام داده بود حتماً روایات احادیث باید به آن اشاره می‌کردند لذا اینکه روایات نگفته‌اند که پیامبر (ص) با انگشتان مسح می‌کرده است، حاکی از این است که لزوم مسح با انگشتان دلیلی ندارد لذا واجب نیست که مسح با انگشتان باشد. البته در بعضی از روایات [، مثل روایتی که بر مسح از زیر عمامه دلالت داشت] کلمه «اصابع» به کار رفته است، لکن چون آن روایت بر مورد خاص و ضرورت [سرما و امثال آن] حمل می‌شود، نمی‌تواند دلیل بر لزوم مسح با انگشتان باشد لذا عرض می‌شود که مسح با انگشتان یک امر استحبابی است و بهتر این است که مسح سر با انگشتان باشد.

مسئله ۵۱۴: «فی مسح الرأس لا فرق بین أن یکون طویلاً أو عرضاً أو منحرفاً»^۲.

به نظر مرحوم سید (ره)، در مسح سر فرقی بین این نیست که مسح طولی باشد یا عرضی باشد یا انحرافی [مورّب] باشد. دلیل حکم مذکور، اطلاق ادله است، هرچند که ممکن است که ابتداءً به ذهن خطور کند که مسح باید طولی باشد، لکن این خطوط، خطوط بدوی و ابتدایی است و دلیلی بر آن نیست بنابراین، اطلاق ادله حاکی از جواز مسح به شکل طولی، عرضی و انحرافی است. «الحمد لله رب العالمین»

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۱، ص ۴۳۶، ح ۲.

۲. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۹.